

بالا بودن میزان تنبلی اجتماعی، از جمله ویژگی‌های منفی است که به جامعه ایران اسلامی نسبت داده می‌شود. در این راستا، گاهی با بهره‌برداری از سفرنامه‌ها، تنبلی اجتماعی نهادینه را به ملت و جامعه ایرانی نسبت داده‌اند و گاهی نیز متکی بر گزارش‌های به‌ظاهر تحقیقی جهانی، ایران اسلامی را دارای رکورد تنبلی اجتماعی بسیار بالا و در مقام سوم جهان معرفی نموده‌اند. منابع جهانی به ثبت این رکورد پرداخته‌اند و تحقیقات اندک داخل کشور نیز آن را تأیید کرده و یا از کنار آن گذشته‌اند. این مقاله در صدد است تا با تجزیه و تحلیل موشکافانه محتوای این گزارش‌ها، ضعف علمی این برداشت از سفرنامه‌ها و اشکالات موجود در تحقیقات جهانی و نیز عدم کفایت تحقیقات داخلی در این مورد را در منظر اندیشمندان قرار دهد. نتیجه اینکه، با توجه به نقش تعیین‌کننده موضوع تنبلی اجتماعی در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان مملکتی، تبیین عالمانه آن نیازمند انجام تحقیقات مؤثق و قابل اعتماد، مبتنی بر یک مدل بومی و متناسب است که جای آن در حال حاضر خالی است و بدون آن، نفی و اثبات تنبلی اجتماعی برای ملت ایران از وجاهت علمی برخوردار نخواهد بود.

■ واژگان کلیدی:

تنبلی اجتماعی، رکوردسازی، سفرنامه، مطالعات تطبیقی جهانی

جایگاه جهانی ایران اسلامی از نظر تنبلی اجتماعی

بررسی گزارش‌ها و تحقیقات مربوط به تنبلی اجتماعی در ایران

احمد فضاثلی

دانشیار دانشگاه امام حسین (ع)

ahmad.fazaali@gmail.com

بیان مسئله

شاید در یک تقسیم‌بندی کلان بتوان دو طیف اصلی انگاره‌های صحیح و انگاره‌های غلط را در شناخت فرهنگ عمومی تشخیص داد. امعان نظر به سوی آنچه که صحیح است ما را در طریق فهم نقاط قوت و نقاط ضعف فرهنگ عمومی رهنمون و باعث تجمیع قوا در موضوعات مهم و مهم خواهد شد تا بتوان طرق گسترش و تعمیق موضوعات کلیدی مثبت را شناسایی و به عمل آورد و نقاط محوری منفی را از فرهنگ عمومی با برنامه‌ریزی مناسب زدود.

گاهی با توجه به موارد مختلف خطا (نظیر خطای در تعریف موضوع، خطای کنه و وجه، خطای در تطبیق مؤلفه‌ها، خطای در اندازه‌گیری و...) در دستیابی به واقعیت، موجبات تشخیص غیرمنطبق، با درجه انطباق ضعیف و یا غیرقابل انطباق و در نتیجه غیرقابل قبول فراهم می‌گردد^۱. در این هنگام با این خطا، شناخت غیرواقعی از واقعیت باعث انحراف در تشخیص و به تبع آن انحراف در تصمیم‌گیری و به هدر رفتن سرمایه‌گذاری‌ها می‌شود. این موضوع ممکن است به درجات مختلف در تمامی تحقیقات و اندازه‌گیری‌ها و برای تمامی موضوعات مورد مطالعه اتفاق بیفتد و به همین دلیل تمهیدات لازم و راه‌های مقابله علمی با آنها از دیرزمان توسط دانشمندان و محققین تهیه و تعبیه شده است که باید مورد ملاحظه و امعان نظر جدی قرار گیرند. یکی از صحنه‌هایی که معمولاً چنین خطاهایی بیشتر امکان‌پذیر است، موضوعات اجتماعی و فرهنگی و به‌طور خاص، مقولات مربوط به فرهنگ عمومی است. زیرا در پژوهش‌ها و اندازه‌گیری‌های اجتماعی و فرهنگی عوامل تأثیرگذار متعددی وجود دارند که غالباً کنترل آنها برای عدم دخالت، بسیار مشکل و بعضاً (در حالت معمول) امکان‌ناپذیر است. در این میدان نتایجی به‌دست می‌آید که موجد انگاره‌های غلطی می‌شود که به فرهنگ عمومی نسبت داده می‌شود. بنابراین، فهم نسبت به آنها و زدودن آنها از ذهنیت عمومی برنامه‌ریزان و هادیان اجتماعی و خود جامعه، ما را از پرداختن به مسیر انحرافی مانع و برکات آن موجبات اصلاح فرهنگ را در پی خواهد داشت.

از جمله این انگاره‌ها، موضوع زیاد بودن تعطیلات در ایران بود که از سال ۱۳۸۶ در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (به‌صورت طرح مسئله) تردید نسبت به آن مطرح

۱. این در حالی است که عوامل دخالت‌کننده نظیر آمارسازی‌های غلط و یا القاء نظرات خاص را منتفی بدانیم.

گردید و در طی یک کار علمی غلط بودن آن به اثبات رسید (سند ۶۸۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹/۱۱/۱۲)، تا بتواند ذهنیت اجتماعی را نسبت به این موضوع که آسیب‌های خاص خود را نیز به دنبال داشت به سمت صحیح هدایت نماید. از همین دست انگاره‌هایی که نسبت به فرهنگ عمومی رایج و شایع است و باید صحت و سقم آن مورد بررسی دقیق قرار گیرد، موضوع تنبلی اجتماعی است. که در نزد صاحب‌نظران و هادیان فرهنگ، مورد توجه می‌باشد. ضمن اینکه، باید در نظر داشت که تنبلی اجتماعی، موضوعی است که به‌عنوان یک سلاح سیاسی، برای متهم نمودن و بهره‌برداری در نبرد قدرت و تهاجم فرهنگی به‌صورت وسیع مورد استفاده قرار می‌گیرد (راگرو^۱، ۲۰۱۰).

پیشینه

آنچه که در مورد موضوع تنبلی اجتماعی در ایران اسلامی موجود است در قالب چهار حوزه زیر ارائه و توصیف می‌شود.

۱. سفرنامه‌ها

خصوصیات اخلاقی مثبت و منفی ایرانیان، در متون و سفرنامه‌های فراوانی نگاشته شده است. در این باب مطالب متنوعی را سفرنامه‌نویسانی چون: سرنّا^۲ (۱۳۶۳)، پولاک^۳ (۱۳۶۱)، دورویل^۴ (۱۳۶۴)، برادران شرلی^۵ (۱۳۶۲)، شاردن^۶ (۱۳۳۵)، ژوبر^۷ (۱۳۴۷)، فلاندن^۸ (۱۳۵۶)، گوینو^۹ (۱۳۶۷)، دمورگان^{۱۰} (۱۳۳۵)، ویشارد^{۱۱} (۱۳۶۳) و... که غالباً غربی هستند، از زمان صفویه تاکنون، نگاشته و در مورد ایرانیان ثبت و القاء نموده‌اند و سپس نویسندگانی چون جمالزاده (۱۳۴۵)، قاضی‌مرادی (۱۳۷۸) و چلبی (۱۳۸۱) از آنها بهره‌برده و متونی تأثیرگذار را از خود برجای گذاشته‌اند. در این سفرنامه‌ها همه‌جور مطالب، مربوط به حوزه‌های گوناگون امور اجتماعی و سبک زندگی، ارائه شده است. از جمله موضوعاتی است که به‌نوعی به خصائل اجتماعی و مؤلفه‌های مورد توجه در بحث تنبلی

1. Ruggero
2. Serna
3. Polak
4. D'Urville
5. Sherly
6. Sharden

7. Jubber
8. Flandern
9. Gubino
10. DeMorgan
11. Vichard

فردی و تنبلی اجتماعی مرتبط می‌شوند که از این‌رو مورد توجه این مقاله، واقع گردیده‌اند. هر چند مطالعه دقیق، تحلیل محتوا و مقایسه این مجموعه بسیار وسیع، نیاز به کار (یا کارهای) مطالعاتی ویژه خود دارد، لیکن حتی یک مرور کلی، موارد فراوانی از اختلاف نظرات (حتی در حد تناقض) را درباره ایران و ایرانی در آثار این سفرنامه‌نویسان پدید آورده است. به‌طور نمونه؛ بعضی از این نویسندگان، در پاره‌ای از صفات اجتماعی ایران با دید مثبت قلم‌فرسایی نموده‌اند. مثلاً به مطلب شاردن (۱۷۱۳-۱۶۴۳) فرانسوی توجه نمائید: من هیچ ملت را مؤدب‌تر و ملایم‌تر از ملت ایران ندیده‌ام و ادب و نزاکت در ایرانی‌ها فطری است و اگر سال‌ها با یک ایرانی دوستی و یا معامله بکنید، محال است از زبان او چیزی بشنوید که شما را برنجاند و محال است که او حاضر باشد یک خبر بد به شما بدهد و اگر مجبور شود راجع به مرگ یک نفر صحبت کند و می‌گوید «عمرش را به شما داد» یا «عمرش را به شما بخشید». یعنی او نمی‌خواست بمیرد تا اینکه باعث تأثر شما بشود بلکه چون شما را دوست می‌داشت برای ابراز دوستی عمرش را به شما واگذار کرد و رفت.

من هیچ ملت را ندیدم که مثل ایرانی‌ها نسبت به اقوامی که از لحاظ نژاد و دین بیگانه هستند، سهل‌انگار باشند. در این هنگام که در کشورهای اروپایی اختلافات بزرگ مذهبی وجود دارد در ایران، هیچکس به یهودی‌ها و عیسوی‌ها و گبرها و مسافرین اروپایی که گاهی به ایران می‌آیند کاری ندارند (شاردن، ۱۳۶۳: ۲۱۳). و از سویی، بسیاری از آنها موارد منفی و صفات ناشایستی را برای ایرانیان قائل‌اند، از جمله:

فلاندن (۱۳۵۶، ۱۲۶) می‌نویسد، در حقیقت باید گفت: [ایرانی‌ها] بسیار مکار، رباخوار، بی‌رحم، متقلب و به‌ویژه دروغ زیاد می‌گویند. و یا پنهان‌کاری و دورویی که از دیدگاه اکثر سفرنامه‌نویسان، از جمله خصائص عام فرهنگی و رفتار رایج ایرانیان شمرده شده است. به‌عنوان مثال کرویس^۱، اگرچه بر وجود این صفت در بین درباریان تأکید دارد، اما با تعمیم آن به همه ایرانیان می‌نویسد: «تمام کارهایی که در این کشور انجام می‌گیرد خدعه و فریب متقابل است و در این دربارهای شرق همه چیز ژست و تظاهر و پر از زرنگی و ترفند است» (ویشارد، ۱۳۶۳: ۱۹۶-۱۹۴).

کمپفر^۱ با بزرگ‌نمایی صفت ناپسند فریب‌کاری ایرانیان که حتی آن را در ساحتی جهانی مطرح می‌کند، می‌نویسد:

«چیزی که نزد ایرانیان بیش از همه موجب ملامت و نفرت است تمایل به حسادت و عیب‌جویی کردن است. آنها حسد و خرده‌گیری خود را در لفافی از چالپوسی‌ها و چرب‌زبانی‌های متصنع و خوش‌ظاهر می‌پوشانند و از انظار مستور می‌دارند. زیرا اینها در هنر انکار و فریبکاری از هر قوم و ملت دیگری در روی زمین تردست‌تر و فریبکارترند» (ویشارد، ۱۳۶۳: ۱۷۰).

در همین مجموعه، که معمولاً از مقاصد آنها نیز پرده برداشته نشده، موارد زیادی از مصادیق تنبلی و حمل به تقدیر نمودن امور ارائه شده است، از جمله: عافیت‌طلبی و مسامحه‌کاری، سهل‌انگاری امور، راحت‌طلبی، فقدان نشاط و کم‌تحرکی (که از یک‌سو، خود معلول عوامل عدیده و از سوی دیگر باعث پیامدهای منفی متعدد در حیات ایران است) از جمله خصائصی است که برخی از سفرنامه‌نویسان به‌عنوان ویژگی‌های بارز ایرانیان برشمرده‌اند. سرنا می‌نویسد: «ایرانیان کارهای سرگرمی مثل شکار و تفریح را بر فعالیت‌های جدی، زیربنایی و اساسی سیاسی و دولت‌مداری مقدم می‌شمارند» (گویینو، ۱۳۶۷: ۲۳۵-۲۳۰). پولاک آسوده‌طلبی را در شرایط عادی ویژگی غالب ایرانیان ذکر کرده؛ وی چنین می‌نویسد: «ایرانی را اگر به حال خود بگذارید بیشتر به آسودن رغبت دارد...» (ویشارد، ۱۳۶۳: ۱۱۸). سرانجام می‌توان از کرویس یاد نمود که به قاعده‌سازی عام درباره ایرانیان دست زده است. وی می‌نویسد: این مردم «بالتبع تنبل و شل هستند و در نتیجه هیچ حرص و رغبتی به اختراعات و اکتشافات تازه ندارند» (ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۵۶). آنچه که در مورد مجموعه سفرنامه‌ها به‌نظر می‌رسد این است که: این مجموعه‌ها دارای مطالب ارزشمندی هستند که با شرایطی می‌توانند به‌عنوان منابع تحقیقی مورد استفاده در جنبه‌های مختلف علوم اجتماعی، سیاسی و فرهنگی واقع شوند و نباید از آنها غفلت نمود. لیکن در مورد این اظهارنظرها، ملاحظات عمده زیر، شایسته دقت و تأمل است:

- غالباً مربوط به نظر و برداشت‌های شخصی این افراد است که در برخوردهای محدود و نمونه‌های کوچک و غیرقابل تعمیم برای آنها حاصل شده است و جنبه تحقیق علمی ندارد.
- با توجه به شرایط استیلاي غرب، غالباً وابسته به مأموریت‌هایی است که این سفرنامه‌نویس‌ها در آن برهه زمانی از طرف حکومت‌های خود در مورد کشور ما

داشته‌اند؛ لذا چون اهداف اصلی آنها اظهار نشده، نمی‌توان نسبت به راستی آن اظهارات ساده‌انگاری کرد.

• متکی به فلسفه فرهنگی است که آن نویسندگان در آن تربیت یافته‌اند و یا معتقد به آن بوده‌اند؛ و با مؤلفه‌ها و پیش‌فرض‌های آن فرهنگ‌ها، به‌عبارتی دیگر، با عینک خاص، به فرهنگ و جامعه ما نگریسته‌اند.

• بسیاری از آنها مربوط به بیش از پنجاه سال قبل می‌باشند.
• جدای از اهداف و منافع سیاسی - فرهنگی غرب برای تغییر مناسب در فرهنگ اجتماعی ما نیستند.

نتیجه آنکه: استنباط علمی از این سفرنامه‌ها منوط به شناخت عوامل مداخله‌گر و جرح و تعدیل محتوا به تناسب میزان مداخله آنها است. لذا به‌سادگی قابل استناد در امور مختلف اجتماعی، از جمله موضوع تنبلی اجتماعی نیستند.

۶۲

۲. مطالعات بین‌المللی

مطالعات تطبیقی مختصری توسط مؤسسات بین‌المللی در مورد تنبلی اجتماعی صورت گرفته و با مؤلفه‌ها و تعاریف تنظیم شده در مورد تنبلی اجتماعی به بررسی نمونه‌هایی در ایران پرداخته و آمار آن منتشر شده است.^۱

به اذعان محققینی که این مطلب را ارائه داده‌اند، اولاً داده‌های کمی در اختیار داشته‌اند؛ ثانیاً این موج از مطالعه، تنها در ۵۷ کشور انجام شده؛ ثالثاً در مورد ایران تنها به نمونه اندکی از تهران اکتفا شده آن هم فقط در محدوده سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۶^۲ (جوادی‌یگانه، ۱۳۸۸، ۱۸۳). در این مطالعات تطبیقی، یک نتیجه‌گیری برای کل جهان گرفته شده و ایران را در مقام سوم تنبلی در جهان قرار داده‌اند. قابل ذکر است که در این رتبه‌بندی مقام کشور ایران باید بعد از دو کشور دیگر باشد، ولی بعد از دو کشور نیست بلکه بعد از یک قاره (آفریقا) و بعد از دارندگان یک زبان (اعراب) ملحوظ شده است.

۱. مطالعات جهانی در باره ارزش‌های اجتماعی، از سال ۱۹۸۱ انجام گرفته و نخستین پیمایش خود را برای اروپا در سال ۱۹۹۰ انجام داد و تا به حال پنج موج پیمایشی را به انجام رسانیده و تا سال ۲۰۱۲، تعداد کشورهای تحت پوشش را به ۹۷ کشور با پوشش ۹۰ درصد جمعیت جهان گسترش داده است. در موج سوم (سال ۲۰۰۵) ایران نیز در زمره کشورهای تحت مطالعه قرار گرفت (<http://www.worldvaluessurvey.org>).

2. World Bank & World UNESCO, OECD, World Values Survey Development Indicators

اولین مجموعه‌ای که کشور ایران با آن از نظر تنبلی اجتماعی مقایسه شده، عبارت است از کشورهای آفریقایی. قاره آفریقا، با داشتن حدود ۳۰۲ میلیون کیلومتر مربع (۲۰٪) /۴ از کل خشکی‌ها، دومین قاره جهان از نظر وسعت و هم از نظر جمعیت (یک میلیارد نفر، معادل با ۱۴/۷٪ جمعیت کره زمین) است (گزارش سازمان ملل^۱؛ ۲۰۱۰). شامل ۵۴ کشور جدا از یکدیگر، که تقریباً عقب‌افتاده‌ترین جوامع بشری در بین آنها هستند (ابراین^۲، ۲۰۰۵: ۲۳)، هر چند که در این بین، کشورهای نظیر مصر، الجزایر، تونس، لیبی و آفریقای جنوبی، دارای وضعیت پیشرفته‌تری هستند ولی در این تحقیق بین‌المللی، همه آنها در یک قالب و تحت عنوان کشورهای آفریقایی، مقام نخست را از نظر تنبلی احراز کرده‌اند. دومین مجموعه، کشورهای عربی هستند که شامل تعداد ۲۲ کشور که اکثراً در شمال آفریقا و غرب آسیا قرار دارند (بخش آمارهای سازمان ملل^۳، ۲۰۰۸، جدول شماره ۳) و حدود ۴۰۰ میلیون نفر جمعیت دارند (گزارش دفتر جهان عرب، ۲۰۱۲: ۳). تعداد ۹ کشور از کشورهای اولین مورد (کشورهای آفریقایی) عرب هستند. با یک احتساب، جمعاً ۶۷ کشور به‌عنوان دو رده اول و دوم از نظر تنبلی در جهان، معرفی شده‌اند و سپس در رده سوم فقط یک کشور، به‌نام ایران قرار می‌گیرد! پر واضح است که چنین محاسبه‌ای به‌جز برای استفاده‌های سیاسی منفی و سیاه‌نمایی نسبت به ایران، از هیچ منطقی برخوردار نیست و برای هر متفکری معیوب و مغرضانه بودن این رکوردسازی و این‌گونه مقایسه و نمایش دادن آماری جایگاه سوم، واضح و آشکار است. بنابراین، در همین احتساب و تجزیه و تحلیل ساده، جایگاه ایران در جهان از نظر تنبلی اجتماعی (در صورتی که سایر عوامل اندازه‌گیری از صحت برخوردار باشد) جایگاه ۶۸ جهان خواهد بود و نه جایگاه سوم. یادآوری این نکته نیز خالی از لطف نیست که، همان‌گونه که ذکر شد این مطالعه تنها در ۵۷ کشور به‌انجام رسیده است و یک مطالعه جهانی منطبق با تقسیمات جغرافیایی و مرزهای سیاسی کشورهای جهان که تعداد آنها ۲۵۴ کشور^۴ است، صورت نپذیرفته است. انتخاب ۵۷ نمونه، قابل تعمیم برای داوری نسبت به تک تک کشورها به‌صورت جداگانه نخواهد بود. البته در صورت صحت اندازه‌گیری‌ها، اگر نمونه‌گیری آماری از جامعه کل کشورهای جهان از منطبق علمی قابل دفاع برخوردار باشد، می‌تواند عدد متوسط مورد بهره‌برداری

1. United Nations (Department of Economic and Social Affairs, Population Division)
2. O'Brien.
3. United Nations Statistics Division.
4. Arab World Ministries
5. Internet World Stats

قرار گیرد. به عبارتی؛ در صورتی که تمام جوانب دیگر تحقیق صحیح انجام شده باشد (که چنین نیست) در نهایت باید وضع و جایگاه ایران را در بین ۵۷ کشور داوری نماید و معین کند. لذا گزاره‌هایی از قبیل: جایگاه سوم در جهان! از چنین تحقیقی قابل صدور نیست. یکی از دلایل عدم کفایت نمونه پنجاه و هفت کشور برای تمام جهان، موج اخیر (۲۰۱۲) پیمایش این سازمان است که برای اعتبار بیشتر، در بین ۹۷ کشور انجام گرفته است.

بنا بر اظهار سازمان فوق، در پیمایشی که در کشور ایران و چند کشور محدود دیگر (هشت کشور) انجام گرفته، از نوع پرسشنامه محدودشده (WVS2005-List B) نسبت به پرسشنامه اصلی (WVS2005-List A) بهره‌گیری شده است (www.worldvaluessurvey.org). که به‌نوبه خود اطلاعات محدودتری را شامل می‌گردد.

سومین اشکال اساسی این کار، مفاهیم و مؤلفه‌هایی است که مورد اندازه‌گیری برای تعیین تنبلی اجتماعی قرار گرفته‌اند، که منبعث از منطق خاصی هستند که در تعریف تنبلی اجتماعی مورد توجه محققین بوده‌اند، به‌عنوان نمونه، به جدول زیر مربوط به نمونه‌ای از سؤالات پرسشنامه مورد استفاده در سال ۲۰۰۵ در مورد ایران دقت شود.

۶۴

On this list are various groups of people. Could you please mention any that you would not like to have as neighbors? (Code an answer for each group):		Mentioned	Not mentioned
V34.	Drug addicts	1	2
V35.	People of a different race	1	2
V36.	People who have AIDS	1	2
V37.	Immigrants/foreign workers	1	2
V38.	Homosexuals	1	2
V39.	People of a different religion	1	2
V40.	Heavy drinkers	1	2
V41.	Unmarried couples living together	1	2
V42.	People who speak a different language	1	2
V43.	(optional: minority relevant to given country, write in): _____	1	2

WVS 2005-2006 Wave, Root Version

در بین سؤالات فوق، سؤالاتی مانند ۳۵، ۳۸، ۴۰، ۴۱ هستند که پاسخ جامعه‌ای مانند ایران را با کشورهای با فرهنگ غرب، دچار انحراف در تحلیل خواهد نمود (از این نوع سؤالات در این پرسشنامه کم نیستند).

و با دیدگاهی دیگر، می‌تواند مفاهیم و مؤلفه‌های دیگری جایگزین آنها شود. در این صورت نتایج معلوم نیست که مشابه آنچه باشد که اکنون به‌دست آمده است. به‌علاوه اینکه، روایی بعضی از این ملاک‌ها، رد شده است. مثلاً از جمله فاکتورهای مورد تکیه و دلائلی که ارائه شده، بالا بودن میزان تعطیلات در ایران نسبت به جهان است (سند رسمی شورای عالی انقلاب فرهنگی، جلسه ۶۸۱).

و در نهایت، در همین سند معیوبی که به اصطلاح استاندارد شده، آمریکا و اروپا که بهترین وضعیت عدم تنبلی را دارا می‌باشند با عدد ۶۶/۲۳؛ و ایران را با ۶۳/۱ نشان می‌دهد. هر چند فاصله از نظر آماری معنی‌دار است (۳/۱۳ نسبت به صد)، لیکن فاصله چندان نیست که در بوق و کرنای بیگانه و خودی، در مورد آن، این‌گونه بهره‌برداری شود. نکته قابل توجه آن است که این تحقیق، علیرغم این‌گونه خطاهای بارز و نواقص و معایب علمی، به‌عنوان مرجع علمی، در اکثر گزارش‌ها و کارهای تحقیقی (و تبلیغاتی) مورد استفاده قرار گرفته و می‌گیرد.

مقاله «بررسی تطبیقی شاخص تنبلی در ایران و کشورهای جهان و برخی راه‌حل‌ها»، با تجزیه و تحلیل مجدد این مطالعه و محور قرار دادن آن، هر چند اعداد و ارقام اندک تفاوتی را نشان می‌دهد ولی در نهایت بر همان نتایج ارائه شده توسط آن بررسی تطبیقی صحه گذارده است. نتیجه پایانی صریح این مقاله چنین است: «میزان تنبلی در ایران از دیگر کشورهای جهان که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند، به‌صورت معناداری بیشتر است (جوادی‌یگانه، فاطمی‌امین و فولادیان، ۱۳۹۰: ۱۲۸) چنانکه می‌بینید این مقاله پا را از نتایج اصل آن تحقیق هم فراتر نهاده و کشور ایران را در ردیف آخر (نه دو ردیف مانده به آخر!) قرار داده است.

۳. مطالعات متفرقه

هرچند تاکنون تحقیق و حتی مقاله جامعی پیرامون تنبلی اجتماعی در ایران انجام نشده است (جوادی‌یگانه، ۱۳۸۸: ۱۲). در این زمینه تنها می‌توان تحقیقاتی با موضوعاتی نزدیک به تنبلی اجتماعی؛ نظیر سهل‌انگاری، کرختی، کم‌کاری و کاهش مسئولیت فردی و... را مشاهده نمود (جوادی‌یگانه و فولادیان، ۱۳۹۰، ۱۱۰). این اندک مطالعات پراکنده هم به پیروی از مطالعات غرب انجام شده و غالباً بدون تغییر در مؤلفه‌های تحقیقات جهانی و بدون توجه به عوامل زیست‌بوم و فرهنگ ایران اسلامی صورت گرفته و گزارش‌های آنها منتشر شده است.

از همین دست اطلاعات، برداشت‌هایی از شخصیت‌های اجتماعی نیز ارائه و بر روی آن تبلیغات می‌شود که مبتنی بر کارهای علمی نبوده و مربوط به اطلاعات شخصی آنها از محیط است. همین برداشت‌ها در افواه نیز جاری گشته است.

اخیراً مقاله «تنبلی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، میزان و عوامل مؤثر بر تنبلی اجتماعی را در قالب یک تلاش جدید برای تبیین یک مفهوم در چارچوب نظریه انتخاب عقلانی و با نمونه‌ای مشتمل بر ۱۲۵۶ شهروند تهرانی بررسی کرده و میزان گرایش به تنبلی را در تهران (نه در تمام ایران) معادل با ۲۰ درصد برآورد نموده است (جوادی‌یگانه و فولادیان، ۱۳۹۰). امید آنکه چنین فعالیت‌هایی ادامه یابد و به تبیین عالمانه و دقیق تنبلی اجتماعی متناسب با زیست بوم و فرهنگ جامعه ایران بینجامد.

موارد سه‌گانه فوق از نظر علمی دارای نقاط ضعف فراوان و متأسفانه در حال حاضر محل اتکاء اظهارنظرات اجتماعی است.

۴. تحقیقی با عنوان: «تنبلی اجتماعی، علل، پیامدها و راهکارها»

تحقیق معتبری که (با توجه به تعاریف و مؤلفه‌هایی که در زیر می‌آید) اکنون بیشترین مرجع استدلال برای توصیف میزان تنبلی اجتماعی است و مورد استناد قرار می‌گیرد تحت عنوان «تنبلی اجتماعی، علل، پیامدها و راهکارها» توسط جوادی‌یگانه و برای شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۸ تدوین شده است. این تحقیق بر روی یک نمونه ۱۲۳۸ نفری در مناطق ۲۲ گانه تهران انجام شده و نتایج کلی تحقیق این است:

«میزان تنبلی (در ایران) در حدود ۳۶٪ خیلی کم و کم؛ در ۴۹٪ متوسط؛ و در ۱۹/۶٪ زیاد و ۰/۵٪ خیلی زیاد» را نشان می‌دهد. براساس این تحقیق، آنچه که به‌عنوان تنبلی محسوب می‌شود شامل ۲۰/۱٪ جامعه می‌گردد. ضمناً محقق ادعا دارد که بر اساس این تحقیق «پاسخگویان در سطح فردی تنبل هستند» (جوادی‌یگانه و فولادیان، ۱۳۹۰: ۲).

۱. از نظر آماری ممکن است اعتراضی به این جمع‌بندی (آنچه که به‌عنوان تنبلی محسوب می‌شود شامل ۲۰/۱٪ جامعه می‌گردد) وارد باشد. ممکن است ۴۹٪ متوسط را نیز (برای تبیین دقیق‌تر آماری)، به دو نیم تبدیل و عدد ۲۴/۵٪ را به ۲۰/۱٪ اضافه نمود که جمعاً بشود ۴۴/۶٪ و این عدد را برای میزان تنبلی فردی برای جامعه تهران (نه ایران) به‌کار برد، زیرا که نمونه تحقیق از مناطق بیست و دوگانه تهران است. لیکن حفظ امانت در مورد این تحقیق انجام‌شده ایجاب می‌نماید که بر روی همان عدد ۲۰/۱٪، تجزیه و تحلیل صورت پذیرد.

تعریف و مؤلفه‌ها

با توجه به این تنها تحقیق ارزشمند علمی انجام شده، به طور مختصر به بررسی آن پرداخته می‌شود. در این تحقیق، تعاریف و مؤلفه‌های مدنظر محقق در حوزه تنبلی شامل موارد زیر می‌باشد.

در تعریف تنبلی اجتماعی با توجه به مؤلفه‌های: نشاط کار نداشتن؛ ناامیدی؛ خودخواهی افراطی؛ بدبین بودن به دیگران؛ بدبین بودن به آینده؛ نداشتن اعتماد به خود؛ دو تعریف پیوسته زیر مدنظر محقق بوده است.

الف. تنبلی «عبارت است از تمدید یا کش دادن یا اطاله وضعیت فعلی و عدم تمایل به تغییر رفتار یا وضعیت کنشگر؛ ترجیح کنشگر به وضع موجود؛ هرچند از آن لذت برده نمی‌شود.»

ب. ترجیح لذت آنی بر نفع فردی آتی توسط کنشگر، این تعریف سه بعد دارد: نظام ترجیحات کنشگر؛ اندازه‌گیری از لذت آنی؛ اندازه‌گیری از نفع آتی؛ اندازه‌گیری انتخاب لذت فعلی با علم به سودمند بودن نفع آینده (جوادی‌یگانه، ۱۳۸۸: ۱).

و همچنین دو بعد ساختاری و فرهنگی با زیرمجموعه‌هایی (که در ذیل به آنها پرداخته شده) برای ورود به اندازه‌گیری مورد نظر واقع شده‌اند.

- ساختاری: انحصارگرایی؛ نبودن قانون و قانون‌گرایی؛ ضعف نظارت بر عملکرد؛ ضعف کنترل اجتماعی؛ ساخت سنتی؛ ناامنی و عدم امکان پیش‌بینی
- فرهنگی: تقدیرگرایی؛ خودمداری؛ تمایل به کارهای زود بازده؛ فرار از مسئولیت؛ اعتقاد جبرگرایانه؛ بد نبودن تنبلی؛ عدم آگاهی از مصادیق تنبلی؛ بیگانگی مردم از حکومت؛ احساس بی‌قدرتی؛ بیگانگی اجتماعی؛ پائین بودن نیاز به موفقیت.

تحلیل

ایراداتی در بنیان‌های نظری این تحقیق به چشم می‌خورد. به طور مثال موارد متعددی از عوامل و تکیه‌گاه‌ها (نظیر بدبین بودن به دیگران، خودخواهی افراطی) را می‌توان به عنوان عوامل مداخله‌گر و انحراف‌دهنده در محاسبه تنبلی معرفی نمود و عواملی را (نظیر تقدیرگرایی، اعتقاد جبرگرایانه، بیگانگی مردم از حکومت) را نیز نمی‌توان مستقیم (و حتی بعضاً غیرمستقیم) به تنبلی مرتبط نمود و دارای تفاسیر فرهنگی هستند که به لایه‌های پنهان و زیرین فلسفه فرهنگ متعلق هستند و هر کدام نیز دارای تعاریفی

پیچیده، به نحوی که در حوزه تعاریف این مفاهیم، به طیف وسیعی از اعتقادات متضاد با یکدیگر که در منابع فرهنگ دینی بدان پرداخته می‌شود برخورد می‌نمائیم.

علی‌رغم این نقطه ضعف، اگر موارد فوق با دقت تمام توسط ابزارهای متناسب برای کل جامعه ایران اندازه‌گیری شود، تا حدود زیادی می‌تواند وضعیت اجتماع را از نظر تنبیل بودن یا نبودن به تصویر کشد. لیکن این اتفاق در این تحقیق به صورت دقیق صورت نپذیرفته و موارد متعددی از اشکالات در تبدیل این مقاصد نظری به ابزار اندازه‌گیری عملی را شاهد هستیم. در پرسشنامه تنبلی تهیه‌شده به‌عنوان ابزار تحقیق، ۲۳ پرسش (۱۸ گویه و پنج پرسش)، تنظیم گردیده که در تعدادی از آنها ایراد تطبیقی با موضوع مورد مطالعه مشهود است. از جمله مواردی که با تعلیمات دینی جامعه در تعارض است مثلاً اولین گویه: «در انجام کارها عجله‌ای ندارم» در اندازه‌گیری به معنای تنبیل بودن فرض شده، در حالی که این موضوع حداقل با تعلیمات دینی که مؤمن را از تعجیل باز می‌دارد «عجله کار شیطان است» در مخالفت است.

در مواردی، ارتباط بین موضوع و محمول برقرار نمی‌شود مثلاً: «برای من خیلی مهم نیست که بتوانم به خارج بروم و آنجا زندگی کنم»، که معلوم نیست جواب مثبت و یا منفی نسبت به این گزینه چگونه می‌خواهد تفسیر شود.

مواردی نیز دارای انحراف مفهومی است که نمونه‌ای از آن ارائه می‌شود.

سؤال: شما معمولاً در طی روز چند ساعت تلویزیون نگاه می‌کنید؟

افرادی که در شبانه روز کمتر از یک ساعت تلویزیون نگاه می‌کنند = خیلی کم تنبیل
 افرادی که در شبانه روز حدود یک ساعت تلویزیون نگاه می‌کنند = کم تنبیل
 افرادی که در شبانه روز حدود ۲ ساعت تلویزیون نگاه می‌کنند = تاحدودی تنبیل
 افرادی که در شبانه روز حدود ۳ ساعت تلویزیون نگاه می‌کنند = تنبیل
 افرادی که در شبانه روز بیش از ۳ ساعت تلویزیون نگاه می‌کنند = خیلی زیاد تنبیل
 (جوادی‌یگانه، ۱۳۸۸: ۲۵۰)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، اصل بر این است که در هر حال، «هرکس تلویزیون نگاه می‌کند تنبیل است»، که یقیناً چنین فرضی قابل اثبات نیست.

از طرفی، نتایج آمارها نشان می‌دهند که دستیابی به ۲۰٪ تنبیلی اجتماعی، با توجه به نوع ترکیب جامعه آماری، قابلیت بررسی از جوانب دیگر هم دارد، که در آن صورت، خالص بودن این ۲۰٪، محل ایراد خواهد بود. مثلاً در همین آمارها، یافته‌های تحقیق

در سنخ‌شناسی تنبلی مجموعه‌هایی نظیر سالمندان، بیکاران، خانه‌داران، بازنشستگان، را بیشتر تنبل معرفی می‌نماید و اعتراف دارد که باید به روش‌های دقیق‌تر در این زمینه تحقیق به‌عمل آید (جوادی‌یگانه، ۱۳۸۸: ۲).

این در حالی است که در جامعه و نمونه آماری این تحقیق ۱۰/۹٪ بیکار و ۸/۲٪ بازنشسته، ۱/۵٪ سایر، ۲۶/۷٪ خانه‌دار و... وجود دارد (جوادی‌یگانه، ۱۳۸۸: ۲۲۴)، به‌عبارتی؛ تنها جمع جامعه بیکار و بازنشسته این تحقیق، معادل با ۲۰٪ است که تحقیق آنها را تنبل معرفی نموده است. از طرف دیگر، ۶/۵٪ در گروه سنی بالای ۶۰ سال و ۹٪ در سن بین ۵۰ تا ۶۰ سال قرار دارند (جوادی‌یگانه، ۱۳۸۸: ۲۲۰). یعنی ۱۵/۵٪ جامعه در سنین تقریبی سالمندی قرار دارند.

استنتاج

• علیرغم ارزشمند بودن این تنها تحقیق علمی انجام‌شده در زمینه تنبلی اجتماعی، اشکالات متعددی بر این تحقیق و نتایج آن مترتب است (حتی اگر تعاریف و مؤلفه‌های تحقیق را کامل بدانیم) که باید بدان توجه نمود. البته این تحقیق در حد نتایج خودش با عنایت به نقطه ضعف‌هایی که دارد، به‌صورت خالص بر اساس نمونه تحقیق می‌تواند برای شهر تهران در مسائلی که محقق آنها را مصادیق تنبلی ارائه داده است مورد استناد و استفاده قرار گیرد. ولی هرگونه تعمیم در غیرحوزه‌هایی که دستاورد تحقیق نشان می‌دهد، غیرعلمی و ناشایسته است.

• در این تحقیق، با چه ملاک و معیاری نتیجه‌گرفته شده است که میزان ۲۰٪ تنبلی در «سطح فردی» موضوعی نگران‌کننده است (جوادی‌یگانه، ۱۳۸۸: ۳۱۲) و اگر چه درصدی بود این نگرانی را برطرف می‌نمود؟ اگر اعداد مطالعه بین‌المللی مورد اشاره در همین تحقیق را نیز ملاک قرار دهیم (هرچند چنین مقایسه‌ای بین این دو تحقیق با ملاک‌ها و مؤلفه‌های متفاوت، چندان منطقی نیست، لیکن در یک فضای کلی، قابل‌ملاحظه است)، در به‌اصطلاح بهترین کشورهای غیرتنبلی موجود دنیا (اروپا و آمریکا) به عدد ۶۶/۲۳٪ عدم تنبلی (جوادی‌یگانه، ۱۳۸۸: ۱۹۸) اشاره شده است. این ارقام آماری گویای آن است که حتی در این جوامع به‌اصطلاح پیشتاز، ۳۳/۷۷٪ تنبلی را به‌نوعی صحه گذاشته‌اند. بدین ترتیب، اگر همه شرایط مطالعه تطبیقی برقرار

باشد، تطابق این تحقیقات نشان می‌دهد که وضعیت تنبلی در ایران، کمتر از حد عرف جهانی است و نه بیشتر از آن، حتی اگر «این میزان را کف و حداقل تنبلی» (جوادی‌یگانه، ۱۳۸۸: ۳۱۲) در نظر بگیریم.

• محقق به درستی اظهار نتیجه نموده‌اند که این تحقیق نشان داده است که «۲۰٪ از پاس‌خگویان در سطح فردی تنبل هستند» (جوادی‌یگانه، ۱۳۸۸: ۳۱۲) پس چگونه نام این تحقیق و گزارش آن به نام تنبلی اجتماعی منتشر شده است؟

• اما نکته اساسی تری که در این تحقیق مورد توجه واقع نشده، تولید و بهره‌برداری از نشانگرهایی است که متناسب با اجتماع بومی و فرهنگ جامعه ایرانی - اسلامی باشد و جامعه را با آن مورد پیمایش و مشاهده قرار دهد. یعنی تعیین میزان تنبلی اجتماعی بدون توجه به فضا و فرهنگ حاکم بر جامعه و مؤلفه‌های بنیادین فضای ایران اسلامی صورت پذیرفته است. برای اندازه‌گیری صحیح، توجه به مؤلفه‌های فعالیت اجتماعی ایرانیان، از نظر بنیان‌های دینی از یک‌سو و از سوی دیگر، توجه به یک جامعه انقلابی، پرفراز و نشیب، پر بحران و پرتلهاب و فوق‌العاده حساس جهانی سال‌های پس از انقلاب تاکنون، ضروری است.

تحقیقی دیگر

در سال ۱۳۹۰، مقاله‌ای به‌عنوان گزارش پژوهشی در موضوع «تنبلی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن» (جوادی‌یگانه، فولادیان)، که بر روی نمونه‌ای شامل ۱۲۵۶ نفر در شهر تهران (تقریباً مشابه با جامعه آماری تحقیق قبل که به تعداد ۱۲۳۸ نفر از مناطق ۲۲ گانه تهران بود)، انجام گرفته است. نتایج این تحقیق پیمایشی نیز عدد ۲۰٪ تنبلی را (دقت شود که در تحقیق قبل معادل با ۲۰٪/۱ بود) برای شهر تهران (نه ایران) برآورد نموده است. این مطلب حائز اهمیت است که تحلیل نتایج تلطیف گشته و با منطق بسیار قوی تری به شرح زیر ارائه شده است.

«نه میزان تنبلی در تهران خیلی بالاست و نه گرایش به آن زیاد است. اما درباره موضوع سازگاری این نتیجه (پائین بودن میزان تنبلی در تهران) با آن شواهد و یافته‌های تطبیقی (همان آمارهای جهانی که گویا گریزی برای محققین برای فرار از آن نیست!)، باید گفت که از این یافته که مردم تهران چندان تنبل نیستند نمی‌توان استنتاج کرد که «تنبلی در

۱. تأکید داخل این پرانتز از اینجانب است.

تهران وجود ندارد». بلکه از این یافته تنها می‌توان نتیجه گرفت که «میزان تنبلی فردی در تهران بالا نیست»، یا «گرایش به آن خیلی بالا نیست» (جوادی‌یگانه، فولادیان، ۱۳۹۰: ۱۳۴). نکاتی چون، تنبلی فردی و نه تنبلی اجتماعی، بالابودن میزان تنبلی اندازه‌گیری شده در تهران، در این تحقیق حائز اهمیت است.

نقض تفاسیر موجود در مورد تنبلی اجتماعی

برای بازگشایی حوزه تنبلی اجتماعی، یک نگاه واقع‌بینانه به منظر عمومی جامعه شاید اطلاعات بسیار وثیقی را در اختیار ما قرار دهد که اعتبار آن از سفرنامه‌ها و گزارش‌های تحقیقی تطبیقی نه‌تنها کمتر نیست بلکه با توجه به اسناد معتبر، زنده و مشهود اجتماعی، دارای منطق عقلی و علمی قابل توجهی است. در جهان واقع، به دلایل فراوان، به‌نظر می‌رسد، آنچه که توسط غربی‌ها در مورد تنبلی اجتماعی ایرانیان تهیه شده و ما نیز به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از آن استفاده و پیروی نموده‌ایم، یک موضوع غلط تحمیلی به فرهنگ عمومی ماست که عوارض ناشی از آن در حوزه‌های مختلف از جمله کاهش اعتماد به‌نفس ملی، خودکفایی، ریسک‌پذیری، ارائه تصویری زشت از ایران اسلامی برای سایر ملل و امثالهم خودنمایی دارد. در حالی که، در سطح جهانی، اگر اندازه‌گیری صحیحی، بر اساس استانداردهای مناسب و مرتبط انجام شود، احتمالاً هیچ کشوری در حد و اندازه مردم ما، فعال (غیر تنبل) در دوران ما جلوه نخواهد کرد.

نشانه‌های اجتماع فعال و غیر تنبل

اگر به حوزه‌های فعالیت‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی کشور توجه شود، موارد فوق‌العاده فراوانی را در نقض انگاره «تنبلی اجتماعی ایرانیان» مشاهده می‌نمائیم، که حاکی از آن است که مردم و جامعه ما نه‌تنها تنبل نبوده، بلکه بالعکس، فعال بودن شدید را می‌توان به اثبات رسانید. به‌طور نمونه به حوزه فعالیت‌های زیر توجه شود:

- با فعالیت پیچیده، مستمر و خستگی‌ناپذیر بانوان و مردان این ملت، که در تاریخ تحولات و انقلابات جهان بی‌نظیر بود، طی یک مبارزه سنگین و گسترده اجتماعی و پرداخت هزینه‌های جانی و مالی فراوان، این ملت توانست حکومت پادشاهی پهلوی را علیرغم تمامی پشتیبانی‌های جهانی، در بهمن ۱۳۵۷ سرنگون سازد. این اقدام، حاکی از فعالیت، ریسک‌پذیری و نشاط عظیم اجتماعی است.

• پس از پیروزی انقلاب، با کار شبانه‌روزی ملت، در ظرف کوتاه‌ترین زمان، مبارزه در کوی و برزن سراسر کشور با عناصر باقیمانده رژیم و دست‌نشانندگان و عوامل خارجی مقابل انقلاب، صورت پذیرفت و استقرار انقلاب صورت پذیرفت. این حرکت، گویای فعالیت بی‌نظیر، آگاهانه و پرشتاب است.

• همه‌پرسی سراسری، انتخابات مجلس و ریاست جمهوری، تدوین و تصویب قانون اساسی، شکل‌گیری حکومت، برپایی حکومت جمهوری اسلامی در کوتاه‌ترین زمان، برپایی نظامی سرپا متفاوت با گذشته و توأم با تحولات فراوان. در این اقدامات، نشانه‌های فراوان از نوآوری، خلاقیت و اندیشه‌ورزی بنیادین مشاهده می‌گردد که خلاف جهت و ملاک‌های تنبلی اجتماعی است.

• کدام‌یک از نقاط جهان؛ مقاومت هشت‌ساله دفاع مقدس ما را که سرپا جهاد شبانه‌روزی اکثر مردم کشور بود با بیش از ۴۸ کشور که مستقیماً در مقابل ماصف‌آرایی کرده بودند در سابقه خود ثبت کرده‌اند؟ چه میزان فعالیت و عدم تنبلی را می‌توان برای این هشت سال احصاء نمود!

• پس از جنگ تحمیلی، بازسازی کشوری آسیب‌دیده با انبوه ویرانی‌های ناشی از جنگ، در ابعاد گوناگون در سراسر کشور را همین ملت همراه با تحمل انواع تحریم‌ها با سرعت به‌انجام رسانید و چهره‌ای از سازندگی ایجاد نمود که بسیار برتر و زیباتر از قبل از جنگ شد. این همه تلاش و اثرات آن، چگونه با صدور حکم «اجتماع تنبل» به‌نام این ملت قابل جمع است؟

• تعدد فراوان انتخابات سراسری، تقریباً سالی یک انتخابات (آگاهان سیاسی - اجتماعی می‌دانند که برای انجام یک انتخاب ملی چه میزان هنگفتی از سرمایه و کار انسانی در سطوح مختلف فردی و اجتماعی باید به‌انجام برسد). چنین وضعیتی برای هیچ کشوری در جهان در حال حاضر وجود ندارد.

• مراسم مذهبی فراوان و متعدد در سطح ملی شامل: سفرهای زیارتی، عزاداری‌ها، جشن‌ها، نمازهای جمعه، اعتکاف، نمازهای جماعت، شب‌های قدر و ... (آگاهان فرهنگی می‌دانند که برای این همه مراسم در سطح کشور، چه میزان تلاش انسانی - اجتماعی

۱. برشماری ابعاد بی‌شمار از فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، در سطوح مختلف از صبر، استقامت، نوآوری، خلاقیت، ایثار، ریسک‌پذیری و ... برای این هشت سال خارج از حوصله این مقاله است.

شبانه‌روزی باید صورت پذیرد). چنین اعمالی برای هیچ گوشه از جهان نظیر ندارد.

- تعدد مراسم انقلابی - ملی شامل: راهپیمایی‌های مناسبتی، مراسم ۲۲ بهمن، روز قدس، دهه فجر و ... (راه‌اندازی چنین مراسمی، قبل، حین و بعد از مراسم، تلاش فراوان انسانی - اجتماعی را طلب می‌نماید). چنین فعالیت‌هایی با این عرض و طول و به‌صورت مستمر برای هیچ کشوری در جهان نظیر ندارد.

- مردم کدام‌یک از نقاط جهان با حضور دائمی در صحنه انقلاب بحران‌های سیاسی - اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی^۱ را که دشمنان به‌ظاهر ابرقدرت جهان در مقابل آنها ایجاد کرده‌اند یکی پس از دیگری خنثی نموده‌اند؟ آیا این نجات از گردنه‌ها، بدون کار و تلاش فردی و اجتماعی میسر بوده است و آیا به‌چنین ملتی انگ تنبلی رواست؟

- در ابعاد مختلف کمی و کیفی در صحنه علم، سرعت رشد ملت ما بنا بر اذعان مراجع بین‌المللی مرتبط با این موضوع بی‌نظیر است. تا جایی که این ملت توانسته است برای رفع عقب‌ماندگی‌های خود اقدام و جایگاه خود را از رده‌های آخر به سطح مقام شانزدهم جهان (تا پایان سال ۹۰) از نظر تولید علم برساند. بدیهی است که چنین پیشرفت بی‌نظیری با «تنبلی اجتماعی» منافات دارد.

- در صحنه اقتصادی؛ کدام ملتی توانسته است این‌همه بحران‌ها و تحریم‌های دست‌ساز اقتصادی دشمنان جهانی را خنثی نماید و نه‌تنها مقاوم و مستقر در مواضع خود باقی‌بماند، بلکه روزبه‌روز آبدیده‌تر و مستحکم‌تر گردد.

- آیا کشاورزان کشور ما که برای خودکفایی ملی با آن همه عقب‌افتادگی‌های زمان پهلوی مقابله کرده و امروز کشور را در اغلب موارد از خارج بی‌نیاز نموده‌اند، تنبل‌اند؟

- ایفای نقش شبانه‌روزی مادری، همسری، خانه‌داری، خانواده‌داری و ... بانوان ایرانی، را نمی‌توان کمتر از فعالیت‌های دیگر دانست. انجام این نقش و این نوع فعالیت بانوان ایرانی در سطح جهانی اگر در سطح بالاترین نباشد، حداقل در رده‌های فوقانی قرار دارد.

- آیا عشایر کشور ما که در طول تاریخ با طبیعت کشور به کوچ و بیلاق و قشلاق دائمی مشغول‌اند، تنبل‌اند؟ صنعت‌گران ما چطور؟

۱. برای تقریب به ذهن فقط ابعادی از تهاجم فرهنگی، شیخون فرهنگی، ناتوی فرهنگی را که به‌عنوان کلی جنگ نرم در سال‌های اخیر در مقابل این کشور توسط دشمنان سازماندهی شده و یکی از آثار آن فتنه سال ۱۳۸۸ است یادآوری می‌نماید.

• و مثال‌های فراوان دیگر

باتوجه به موارد فراوانی که گویای فعالیت چشم‌گیر ملت عزیز ماست، تنبلی (در مطالعات تطبیقی) جز یک انگاشت غلط که تصور آن می‌رود که احیاناً از جانب بیگانگان می‌خواهد به فرهنگ اجتماعی ما تزریق شود، به‌نظر نمی‌رسد. البته موارد متنوعی از مداخله‌های ریشه‌ای توسط دست‌های بیگانگان و ایادی داخلی آنها برای متوقف نمودن آتش و شور حرکت این ملت وجود دارد که نباید از آنها غفلت نمود. تمامی ارتش فرهنگی دشمن برای ایجاد بی‌تفاوتی مخصوصاً در نسل‌های جوان این کشور و آلوده‌سازی آنها به انواع مخدرهای مادی (افیون، ایکس، شیشه و...) و انحرافات فرهنگی (توسط ماهواره و اینترنت، موسیقی انحرافی و...) و معنوی (عرفان‌های انحرافی، ...) و ... دست‌به‌کارند تا انرژی مثبت جامعه را برای رشد و ترقی به انحراف و یا توقف بکشانند.

۷۴

موارد منفی

البته این موضوعات ارائه‌شده نباید این تصور را ایجاد نماید که ما در تمامی عرصه‌ها، به کمال مطلوب رسیده‌ایم، یا همه‌جا موفق بوده، یا خالی از نقص تنبلی و سایر نواقص هستیم. حتی نباید از نظر دور داشت که در بعضی از حیطه‌ها، انتظار تحول چشم‌گیر بوده است که محقق نشده است. مثلاً:

روند کاغذبازی و بوروکراسی فوق‌العاده غیرمنطقی و سنگینی که بر گرده ملت تحمیل می‌شود (و خود از آثار و عواقب وابستگی فرهنگ اداری ما به سیستم‌های قدیمی وارداتی غربی است) ما را واقعاً نسبت به کشورهای مشهور به پیشرفته، پنجاه سال عقب نشان می‌دهد. نتایج چنین ضعف عمده، موجب کندی عمل دستگاه‌های اداری دولتی، قضایی و خدماتی ما شده که در مقایسه، کارهایی که حقیقتاً یک‌ساعته باید حل شود گاهی تا یک‌سال طول می‌کشند. چنین تأخیرات و از بین رفتن عمر و امکانات، مفاسد فراوانی را ایجاد نموده که یکی از آنها تأخیر و عقب افتادن کارها و پائین آمدن شدید بهره‌وری عملکردی جامعه است که از علائم بارز تنبلی تلقی می‌گردد.

ضعف مدیریت، در ابعاد بسیاری از مدیریت کلان، میانی و صفی کشور، که موجب عدم ایجاد انسجام جامع، هم در هر دستگاه مستقل دولتی و هم در بین دستگاه‌های گردیده و موجب انجام چندباره کاری، سردرگمی، اتلاف وقت و در موارد فراوان سوء استفاده و بالا بودن فساد اداری شده است. این عامل دارای هم‌پوشانی فراوانی با مباحث تنبلی (به‌عنوان عوامل تأثیرگذار در

ایجاد تنبلی)، ناامیدی، بی‌اعتمادی و ... است که خاستگاه، علل و عوامل و راه‌حل‌های آن باید تحت عناوین مستقیم مرتبط با سطوح مختلف مدیریت نظام مورد بررسی قرار گیرد. عدم اشتغال حجم وسیعی از نیروی توانا و جویای کار در کشور (که البته آمار دقیق و غربال شده آن هنوز در دست نیست) به نمایش تنبلی اجتماعی کمک می‌نماید. از جنبه انتظار از ملت شریف ایران، بدون داوری نسبت به برداشت‌هایی که از طرق فوق به‌دست آمده، یقیناً این‌گونه است که کفایت به وضع موجود، ناشایست است. در سرشت نیروی جوان و تربیت‌شده اسلامی باید نوعی انگیزه خستگی‌ناپذیر مفید شکوفا گردد که بتواند عقب‌ماندگی‌ها از قافله پیشرفت و عدالت را با قدرت و با سرعت از طریق راه‌های میانبر طی نماید و الگو و نمونه برای تمامی جهانیان گردد. از این‌باب، نیروی انسانی کشور در تمامی سطوح، در حال حاضر دارای کسری و نقص است و باید کمر همت خود را ببندیم که راهی بس طولانی و نیازمند تلاش مضاعف در پیش است. بدین صورت، نه تحت عنوان تنبلی اجتماعی، بلکه به‌عنوان ایجاد همت مضاعف و کار و تلاش متناسب با آرمان‌های این نظام، باید به اندازه‌گیری و رصد پرداخته شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به تمامی این ابعاد، به‌نظر می‌رسد که با دیدی متفاوت و کاملاً عالمانه باید موضوع القائی تنبلی اجتماعی، به‌عنوان یکی از نقاط ضعف فرهنگ عمومی کشور؛ مورد مطالعه قرار گیرد و وضعیت شکوفای جامعه به‌صورت واقع‌بینانه به نمایش گذاشته شود. برای برون‌رفت از این خطا، نیازمند کارهای عمیق پژوهشی هستیم تا در موارد فوق به اطمینان علمی برسیم. هرچند ظواهر امر به‌طور جدی با نتایج تحقیقات فوق در مقابل هم قرار دارند لیکن تا کار متقن تحقیقاتی انجام نگیرد، مقایسه و مطابقت دقیق و تعیین تفاوت‌ها ممکن نیست. لذا، تحقیقات صحیح و دقیقی باید انجام شود و بر اثر آن، ممکن است نتایج مدارک موجود را تأیید و یا تکذیب نماید و یا در میزان و درجه آنها ما را یاری نماید و با تعاریف و تنظیم مؤلفه‌های مناسب ما را به میدان‌های عمیق‌تری در این موضوع رهنمون گردد. آنگاه به داوری و قضاوت صحیح دست پیدا نماییم و سرمایه‌گذاری مناسب برای رفع نقاط ضعف و افزایش نقاط قوت را در برنامه‌ریزی‌های مدیریتی و تربیتی و آموزشی ملحوظ نماییم. مهم این است که بر روی اطلاعات فعلی، هرگونه تبلیغ، اطلاع‌رسانی و تصمیم‌گیری یقیناً آثار صحیحی ندارد و ممکن است بالعکس، آثار منفی فراوانی نیز بر آن مترتب گردد.

منابع

۱. پولاک، یاگوب. (۱۳۶۱). *سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان*. کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.
۲. جوادی‌یگانه، محمدرضا. (۱۳۸۸). *تنبلی اجتماعی، علل و پیامدهای آن*. پژوهش برای دبیرخانه شورای عالی.
۳. جوادی‌یگانه، محمدرضا، زینب فاطمی امین و مجید فولادیان. (۱۳۸۹-۱۳۹۰). بررسی تطبیقی شاخص تنبلی در ایران و کشورهای جهان و برخی راه‌حل‌ها. *فصلنامه راهبرد فرهنگ*. شماره ۱۲ و ۱۳، ص. ۱۱۱-۱۳۴.
۴. جوادی‌یگانه، محمدرضا و مجید فولادیان. (۱۳۹۰). *تنبلی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن*. *مجله جامعه‌شناسی ایران*. دوره دوازدهم. شماره ۳، ص. ۱۳۷-۱۰۹.
۵. جمال‌زاده، محمدعلی. (۱۳۴۵). *خلقیات ما ایرانیان*. تهران: کتاب‌فروشی فروغی.
۶. چلبی، مسعود. (۱۳۸۱). *بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران*. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۷. دورویل، گاسپار. (۱۳۶۴). *سفر در ایران*. منوچهر اعتمادمقدم. تهران: شب‌اوین.
۸. دمورگان، ژاک. (۱۳۳۵). *سفرنامه دومورگان*. جهانگیر قائم مقامی. تهران: طهوری.
۹. ژوبر، پ. ام. (۱۳۴۷). *مسافرت به ارمنستان و ایران*. چاپ اول. محمود مصاحب. تهران: چهر.
۱۰. سرنا، کارلا. (۱۳۶۳). *سفرنامه کارلا سرنا - مردم و دیدنی‌های ایران*. غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو.
۱۱. سند رسمی جلسه ۶۸۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۸۹). *بررسی وضعیت تعطیلات در ایران*. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۲. شاردن، ژان. (۱۳۳۵). *سیاحت‌نامه شاردن*. محمد عباسی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر.
۱۳. شرلی، آنتونی و رابرت شرلی. (۱۳۶۲). *سفرنامه برادران شرلی*. تهران: نگاه.
۱۴. فلاندن، اوژن. (۱۳۵۶). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*. حسین نورصادقی. چاپ اول، تهران: اشراقی.
۱۵. قاضی‌مرادی، حسن. (۱۳۷۸). *در پیرامون خودمداری ایرانیان*. تهران: ارمان.
۱۶. گوینو، کنت. (۱۳۶۷). *سه سال در آسیا (۱۸۵۸-۱۸۵۵)*. عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: کتابسرا.
- ویشارد، جان. (۱۳۶۳). *بیست سال در ایران*. علی پیرنیا. تهران: نوین.

17. Arab World Ministries. (2012). PO Box 51, Loughborough, Leicestershire. LE 11 0 ZQ U. K. E-mail: awmuk@awm-pioneers.org.

18. O'Brien, Patrick K. (2005). (General Editor). *Oxford Atlas of World History*. New York: Oxford University Press.

19. Alphabetical List of Countries. Country Codes in English according to ISO-3166. <http://www.internetworldstats.com/list2.htm>.

20. Ruggero, V. (2010). Social Disorder and the Criminalization of Indolence. *City, Journal of Radio & Audio Media*. V. 14(1&2). pp. 164-169.
21. United Nations. (2010). *World Population Prospects: The Revision*. (Department of Economic and Social Affairs, Population Division).
22. United Nations Statistics Division. (2008). *Demographic Yearbook Population by Sex, Rate of Population Increase, Surface Area and Density*.

